

## بایگانی پرونده کیفری

علیرضا میلانی<sup>۱</sup> و علی پورقاسم<sup>۲</sup>

۱-استادیار گروه حقوق کیفری و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلام شهر alirezamilani@yahoo.com

۲-دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی

### چکیده

قرار بایگانی پرونده به عنوان یک قرار برای اولین بار در قانون مدون کشور ما و در ماده ۸۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با به منصفه ظهور نهاد. این تصمیم قضایی در قانون یاد شده در زیر فصل حدود وظایف و اختیارات دادستان گنجانیده شده و صرفاً ناظر به جرایم تعزیری درجات ۷ و ۸ است اما مشخص نیست علیرغم اینکه مطابق منطوق ماده ۳۴۰ همین قانون که اینگونه جرایم مستقیماً در دادگاه کیفری دو باید مطرح شوند، دادستان در مرحله رسیدگی مقدماتی در دادسرا و به عنوان عالی‌ترین مقام تعقیب چگونه ارکان و شرایط موجود و امکان صدور قرار بایگانی پرونده را احراز می‌نماید. این امر در حالی است که مقنن اختیار صدور این قرار را به صراحت به دادگاه نداده است. دادگاه کیفری یک نیز صلاحیت رسیدگی به اعتراض یا صدور این قرار را ندارد. صدور قرار بایگانی پرونده در جرایم قابل گذشت پس از گذشت شاکی جایگاهی نداشته و نمی‌توان به توفیق قرار بایگانی پرونده بر صدور قرار موقوفی تعقیب اعتقاد داشت لذا حل این معضل جز با مداخله مقنن راهی ندارد مگر تفسیر به رأی. قرار بایگانی پرونده شباهتهایی با دستور بایگانی پرونده موضوع ماده ۱۰ قانون خرید و فروش کاپن و کالاهای اساسی نیز دارد.

واژه‌های کلیدی: بایگانی پرونده، دستور بایگانی، جرایم تعزیری، درجات هفت و هشت، صلاحیت رسیدگی مستقیم

## ۱- مقدمه

### الف: قرار بایگانی

در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ علیرغم بهره‌گیری از قوانین سابق شاهد تأسیس‌های جدید نیز هستیم از آن جمله می‌توان به تأسیس قرار بایگانی پرونده اشاره نمود تجویز صدور این تأسیس در ماده ۸۰ این قانون به مقام قضایی داده شده است. نگارنده اعتقاد دارد که دستگاه قانونگذاری این مقوله را اولین بار نیست که وارد قوانین نموده است زیرا در گذشته نیز با عبارتی شبیه به این مقوله و عبارت دستور بایگانی پرونده از سوی دادستان در قانون خرید و فروش کوپن و کالاهای اساسی می‌توان ملاحظه کرد که بی‌شبهت به قرار بایگانی پرونده نیست هر چند کاملاً منطبق هم نیستند. به نظر برخی حقوقدانان، فلسفه ایجاد این قرار ریشه در قاعده موقعیت داشتن تعقیب دارد.<sup>۱</sup> لیکن اعمال این قاعده همیشه فایده اجتماعی و جنبه پیشگیرانه و اربابی و اهدافی را که مقنن در نظر دارد را به دنبال ندارد و به عبارت دیگر در اعمال دقیق و مستمر قاعده اجباری بودن تعقیب همواره بافایده اجتماعی همراه نیست [زیرا] در برخی از جرایم نه فقط بر تعقیب متهم اثر سودمندی مترتب نیست بلکه اتخاذ یک سیاست جنایی کارساز ایجاب می‌کند که مسئولان قضایی طی شرایطی بطور موقت از تعقیب برخی متهمان اجتناب ورزند، با توجه به چنین برداشتی در نیمه دوم قرن بیستم در کنار قاعده اجباری بودن تعقیب قاعده دیگری موسوم به مقتضی بودن یا مقید بودن تعقیب مورد توجه قرار گرفت ترس از تعقیب و محکومیت، برای اشخاصی که نخستین بار مرتکب جرم شده‌اند می‌تواند عامل موثر در پیشگیری از تکرار جرم باشد. بدین سبب مرجع تعقیب در صورتی که اقامه دعوی علیه متهم را مفید تشخیص ندهد باید مجاز باشد که در جرایم کم اهمیت [در موضوع حاضر و قرار بایگانی پرونده جرایم تعزیری درجات هفت و هشت] به بایگانی پرونده برای همیشه و در سایر جرایم قرار تعلیق تعقیب به صورت موقت اقدام نماید. از بررسی ماده ۸۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ ملاحظه می‌شود که لازمه و شرایط صدور این قرار ارکانی است که باید وجود داشته باشد تا بتوان آن را صادر نمود. که بعضاً دارای ابهام نیز می‌باشد.

#### ۱-۱- ارکان و شرایط صدور قرار

آنچه مسلم شد آن است که برای تمام جرایم، هر مقام قضایی، هر تعداد دفعات ارتکاب جرم نمی‌توان مبادرت به صدور این قرار نمود.

#### ۱-۱-۱- نوع جرایم

مطابق ماده ۸۰ قانون آیین دادرسی کیفری صدور قرار بایگانی پرونده در صورتی ممکن است که اولاً؛ با ید جرم از جرایم تعزیری باشد. ثانیاً، از جرایم تعزیری درجه هفت یا هشت باشد که در ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ تعرفه شده است لذا حدود، قصاص، دیات و جرایم تعزیری درجات ۱ تا ۶ از شمول موضوع خارج هستند هر چند سایر شرایط وجود داشته باشد.

#### ۱-۲- نقش شاکی

چنانچه موضوع دارای شاکی خصوصی باشد، گذشت وی لازم است و در صورت عدم گذشت شاکی، امکان صدور این قرار محمل قانونی ندارد حتی اگر ضرر و زیان مدعی خصوصی تأمین شده باشد، البته زیننده تر آن بود که با جبران ضرر و زیان شاکی خصوصی و حتی با عدم اعدام گذشت و وجود سایر شرایط امکان صدور قرار بایگانی پرونده وجود داشته باشد. ایراد این عبارت در ماده یاد شده این است که چنانچه در جرایم تعزیری درجات هفت و هشت قابل گذشت، شاکی خصوصی اعلام گذشت نماید چرا قرار موقوفی تعقیب صادر نشود؟ آیا این توفیق قرار بایگانی پرونده برقرار موقوفی تعقیب نیست؟ توجه به بند «ب» ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ ضروری است. شاید منظور مقنن جرم غیر قابل

<sup>۱</sup> صادق سلیمی و امین بخشی زاده اهری، تحلیل ماده به ماده قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲

گذشت باشد که مسامحه در نگارش شده است زیرا در غیر اینصورت رجحان صدور قرار بایگانی پرونده بر موقوفی تعقیب منطبق حقوقی ندارد. حتی صدور این قرار با فرض عدم وجود شاکی خصوصی نیز توجیه قانونی ندارد زیرا در جرایم قابل گذشتی که شاکی خصوصی شکایت نکرده باشد اساساً موجبات شروع به رسیدگی فراهم نیست.

### ۳-۱- مقام قضایی

باید بدو دانست که منظور از مقام قضایی در ماده ۸۰ چیست؟ از آنجا که این ماده در زیر فصل سوم مربوط حدود و وظایف دادستان در قانون آیین دادرسی کیفری آمده است ابتدا به نظر می‌رسد که منظور از مقام قضایی دادستان است. در حالیکه اگر اعتقاد به چنین امری داشته باشیم این موضوع با فلسفه ماده ۳۴۰ این قانون که رسیدگی به جرایم درجات هفت و هشت را در صلاحیت مستقیم دادگاه قرار داده است تعارض خواهد داشت. برخی را عقیده بر آن است که منظور از مقام قضایی در ماده ۸۰ صرفاً دادستان بوده که مقنن به وی اعتماد خاص نموده است.<sup>۲</sup> شاید بتوان این توجیه را مدنظر قرار داد که جرایم درجات هفت و هشت تعزیری به هر علت بدو به نظر دادستان برسد مانند اینکه ضابطین قضایی پرونده‌های این درجات را پس از پذیرش، به دادرسی مربوطه ارسال و دادستان را از آن مطلع نموده و دادستان مبادرت به صدور قرار بایگانی پرونده نماید. که پذیرش این نظر نیز خالی از اشکال نیست زیرا اولاً؛ مقنن به صراحت این موضوع را بیان ننموده است ثانیاً وقتی مرجعی صلاحیت رسیدگی به موضوعی را نداشته باشد اساساً حق اتخاذ هیچ تصمیم قضایی جز عدم صلاحیت ندارد. ثالثاً، مقایسه مقام قضایی در ماده ۸۰ با تبصره ۵ ماده ۸۱ قانون آیین دادرسی کیفری مقایسه نادرستی است زیرا در تبصره و ماده اخیر این اختیار به صراحت قید شده است و تعمیم آن به ماده ۸۰ بدون نص صریح یک تعمیم نارواست.

### ۴-۱- مقام رسیدگی کننده قبل از صدور قرار

با فرض پذیرش اینکه مرجع قرار بایگانی پرونده دادستان باشد اقداماتی که مقدمات و بررسی‌های قبل از آن، که اقدام قضایی و تحقیقات مقدماتی است عهده چه کسی است؟ چنانچه نیاز به تفهیم اتهام باشد مقام تشخیص چه کسی است و چه کسی تفهیم اتمام می‌کند؟ بررسی وضع اجتماعی و سوابق متهم با اوضاع و احوالی که موجب وقوع جرم از سوی مرتکب شده و اخذ التزام کتبی از وظایف چه مقامی است؟ دادیار یا بازپرس هر کدام که باشد پیشنهاد صدور قرار به دادستان می‌شود که این امر دو ایراد اساسی دارد، نخست اینکه اقدامات یاد شده که در قالب سؤال مطرح شده است خاصه تفهیم اتمام ورود به رسیدگی به ماهیت جرم و رسیدگی مقدماتی است و مغایر ماده ۳۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری که حتی طرح دعاوی کیفری جرایم تعزیری درجات هفت و هشت را مستقیماً در دادگاه بیان نموده است، می‌باشد دوم اینکه اگر صدور این قرار برای مقامات دادیار یا خاصه بازپرس وجود داشته باشد چرا بسان تبصره ۴ ماده ۸۱ قانون آیین دادرسی کیفری که در مقام بیان بوده اعلام موضع ننموده است.

### ۵-۱- تعداد دفعات

حسب آنچه در متن ماده ۸۰ قانون آیین دادرسی کیفری آمده است مقام صادرکننده قرار تنها یک بار می‌تواند مبادرت به صدور قرار بایگانی پرونده برای متهم نماید و متهم نیز تنها باید برای اولین بار باشد که مرتکب بزه شده و ارتکاب بزه درجات تعزیری در هفت و هشت در مرحله آخر باشد لیکن چنانچه بزه‌های ارتكابی سابق متهم منتهی به صدور آراء منع یا موقوفی تعقیب و یا بردائت شده باشد مانع از صدور قرار بایگانی پرونده نیست.

- منصور رحمدل، آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، انتشارات دادگستر، سال ۱۳۹۳، ص ۱۲

۳- همان جلد اول، صص ۵۸ و ۵۹

## ۶-۱- اعتراض به قرار

هرچند قرار بایگانی پرونده جزء قرارها قابل اعتراض برشمرده شده در بندهای سه گانه ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نیست لیکن با توجه به صدر ماده یاد شده که بیان می‌دارد علاوه بر قرارهای مقرر در این قانون «قرارهای بازپرس در موارد زیر قابل اعتراض است ...» و صراحت ذیل ماده ۸۰ قانون یاد شده قرار بایگانی پرونده ظرف فرجه ده روز قابل اعتراض در دادگاه کیفری است. در خصوص اینکه منظور از دادگاه مربوط کدام دادگاه است باید بیان داشت که چنانچه عقیده به صدور قرار بایگانی پرونده از سوی دادستان داشته باشیم مرجع رسیدگی کننده به اعتراض دادگاه کیفری دو یا دادگاه انقلاب حسب مورد دادگاه مربوطه خواهد بود. لیکن چنانچه اعتقاد به صدور این قرار از ناحیه دادگاه کیفری دو باشد دادگاه مربوط به دادگاه تجدید نظر استان خواهد بود. ذکر یک نکته در اینجا به نظر ضروری می‌رسد که مطابق بند "الف" ماده ۴۲۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ آراء (اعم از حکم یا قرار) صادر شده در جرایم درجات هشت قطعی است و غیر قابل تجدیدنظر است مگر آنکه اعتراض را تجدیدنظرخواهی ندانیم که در این صورت قابل اعتراض بودن قرار بایگانی پرونده صادره از سوی دادگاه کیفری دو مذکور در ماده فاقد معنا خواهد بود. هرچند عبارت دادگاه مربوطه در ماده ۸۰ مبهم و غیر مشخص است لیکن نگارنده اعتقاد دارد که به موجب صراحت ماده ۳۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری دادرسی صلاحیت ورود به این جرایم (تعزیری درجات هفت و هشت) را ندارد و در صلاحیت مستقیم دادگاه کیفری دو و انقلاب حسب مورد است و منظور از مرجع رسیدگی به اعتراض که اعم از تجدیدنظرخواهی است دادگاه تجدیدنظر استان است با ذکر این مطلب که قرار بایگانی پرونده صرفاً در خصوص جرایم تعزیری درجه هفت قابل اعتراض یا تجدیدنظرخواهی است و قرار بایگانی پرونده در جرایم درجه هشت صادره قطعی است این تفسیر بدون ایراد نیست زیرا موارد یاد شده ضرورت مداخله مقنن را می‌طلبد لیکن نسبت به سایر نظرات صحیح‌تر و کم ایرادتر برمی‌رسد.

### ب - دستور بایگانی پرونده

غرض از دستور بایگانی پرونده، صدور یک دستور اداری به مسئول اداری شعبه رسیدگی کننده از سوی مقام قضایی است مبنی بر این که پرونده از شمول پرونده‌های جرایمی خارج و در قسمت بایگانی اعم از موقت یا دائم نگهداری شود. این دستور شرایط حاکم برقرار بایگانی پرونده را ندارد و اصولاً پس از اجرای مفاد حکم، صدور رأی نهایی و قطعی براءت یا قرارهای منع و موقوفی تعقیب و ... که اساساً اعتراض در فرجه قانونی به عمل نیامده یا مرجع رسیدگی به اعتراض، آن را تأیید نموده صادر می‌شود. دستور بایگانی پرونده از سوی مقام قضایی (دادیار، بازپرس، قاضی اجرای احکام، رئیس دادگاه) خطاب به بایگان شعبه صادر می‌شود و پرونده پس از صدور این دستور از آمار شعبه کسر و بایگانی می‌گردد. باید توجه داشت که دستور بایگانی پرونده صرفاً ناظر به زمان پس از قطعیت آراء نیست. از آن جمله می‌توان به بایگانی موقت پرونده اشاره نمود در این راستا بایگانی پرونده به لحاظ توقف تحقیقات موضوع ماده ۱۰۴ و ماده ۵۴۱ در مرحله اجرای حکم به دستور قاضی مجری حکم و ماده ۲۱ دستور بایگانی پرونده پس از صدور قرار افاطه جملگی از قانون آیین دادرسی کیفری برخی از آن مصادیق هستند. از موارد دیگر که می‌توان دستور بایگانی پرونده صادر شود، فوت متهم پس از صدور حکم محکومیت و قبل از انقضای فرجه تجدیدنظرخواهی است. در این خصوص عده‌ای از حقوقدانان معتقدند که بهترین تصمیم در این مرحله صدور بایگانی پرونده از سوی محکمه است<sup>۴</sup>. این امر در حقوق جزای فرانسه نیز مشاهده می‌شود.<sup>۵</sup> هرچند نظر دیگری نیز در این خصوص مبنی بر ادامه رسیدگی تحت شرایط خاص وجود دارد.<sup>۶</sup>

یکی دیگر از موارد صدور دستور بایگانی پرونده که بیشترین شباهت را با قرار بایگانی پرونده دارد موضوع مجرمانه‌ی ماده ۱۰ قانون منع خرید و فروش کاپن و کالاهای اساسی مصوب ۱۳۶۷ می‌باشد که به خلاف موارد یاد شده این دستور صرفاً از ناحیه

<sup>۴</sup>- محمود آشوری، آیین دادرسی کیفری، جلد ۱، انتشارات سمت، چاپ ۱۵، سال ۱۳۸۱.

<sup>۵</sup>- ژرژ لوسور، گاستون استفانی، بولوک برنارد، آیین دادرسی کیفری، برگردان حسن دادیان جلد ۲ - دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۷۷.

<sup>۶</sup>- علی پورقاسم، دو ماهنامه تعالی حقوقی، شماره‌های ۱۴-۱۳، ص ۱۳۵، سال ۱۳۹۰.

دادستان صادر می‌شود. شاید بتوان سبقه ماده ۸۰ قانون آیین دادرسی کیفری را در ماده ۱۰ یاد شده جستجو کرد در این ماده آمده است « چنانچه متهم برای اولین بار مرتکب یکی از اعمال مذکور در مواد فوق شده باشد و دادستان موارد را غیر مهم تشخیص دهد به وعظ، توبیخ یا تهدید، یا اخذ تعهد تأدیب خواهد شد، به اعمال یکی از موارد تأدیب فوق پرونده را بایگانی نماید". بدیهی است که دادستان شخصاً مبادرت به بایگانی پرونده نخواهد نمود بلکه دستور بایگانی پرونده را صادر می‌نماید. با این حال و در مقایسه دو ماده علاوه بر شباهت تفاوت‌های اساسی نیز ملاحظه می‌شود.

## درآمد

هرچند اقدام مقنن مبنی بر تأسیس جدید قرار بایگانی پرونده اقدامی قابل تقدیر است زیرا در آن اصول جرم شناختی در راستای اصول پیشگیری، تأدیبی، باز اجتماعی کردن از آن استخراج می‌شود لیکن از حیث اصول حقوقی کیفری و آیین دادرسی دارای ایرادات اساسی است که به نظر می‌رسد قانونگذار بدون توجه به مواد دیگر تصویب شده در این قانون مبادرت به تصویب ماده ۸۰ آن نموده است. اصلاح و برطرف نمودن ایرادات مطرح شده در ماده ۸۰ قانون آیین دادرسی کیفری جز با مداخله مقنن یا ایجاد رأی وحدت رویه قضایی صورت دیگری قابل تصور نیست. افزودن عبارت در جرایم غیر قابل گذشت « در ابتدای ماده بدین ترتیب که «..... چنانچه شاکی وجود نداشته یا در جرایم غیر قابل گذشت شاکی گذشت کرده باشد.....» تبیین صریح اینکه منظور از مقام قضایی در متن ماده چیست؟ زیرا این عبارت هر چند در زیر فصل سوم و وظایف و اختیارات دادستان آمده است اما عبارتی مطلق است در حالیکه به نظر می‌رسد صدور قرار بایگانی پرونده توجهاً به ماده ۳۴۰ ناظر به ۸۰ قانون آیین دادرسی کیفری در صلاحیت قاضی دادگاه ( دادرسی یا رئیس دادگاه ) می‌باشد و مرجع رسیدگی به اعتراض این قرار صرفاً در جرایم تعزیری درجه هفت دادگاه تجدید نظر استان است. این امر از تبصره ۵ ماده ۸۱ قانون یاد شده قابل استنباط است.

## منابع و مأخذ

- ۱- آشوری محمود، آیین دادرسی کیفری، جلد اول، چاپ پانزدهم، انتشارات سمت، ۱۳۸۱.
- ۲- پورقاسم علی، دو ماهنامه تعالی حقوق، شماره ۱۴-۱۳ سال ۱۳۹۰.
- ۳- رحمدل منصور، آیین دادرسی کیفری، جلد اول، چاپ اول، انتشارات دادگستر، ۱۳۹۳.
- ۴- رحمدل منصور، آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، چاپ اول، انتشارات دادگستر، ۱۳۹۳.
- ۵- سلیمی صادقی و بخشی زاده اهری امین، تحلیل ماده به ماده قانون آیین دادرسی کیفری، چاپ اول، انتشارات جنگل، ۱۳۹۳.
- ۶- لواسور ژوژ، گاستون استفانی، بولوک برنارد، آیین دادرسی کیفری، برگردان دکتر حسن دادبان، جلد دوم، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۷۷.